

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۲۳-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

## بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی و عوامل مرتبط با آن

سیروس احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسایل مهم اجتماعی جامعه ایران، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی است که در همه رشته‌های دانشگاهی به‌ویژه علوم انسانی وجود دارد. هدف اساسی پژوهش حاضر این است که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته جامعه‌شناسی را بررسی و ارتباط آن را با برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیتی، تعیین نماید. روش پژوهش، پیمایشی از نوع پیگیری است. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموختگان رشته جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج طی سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ است. اطلاعات مورد نظر با استفاده از تماس تلفنی با دانش‌آموختگان و نیز کارنامه تحصیلی آنان به‌دست آمده است. بر اساس یافته‌های توصیفی، ۴۳/۹٪ دانش‌آموختگان شاغل و ۵۶/۱٪ بیکار بودند. از مجموع کل شاغلان، ۵۱/۷٪ در بخش غیردولتی مشغول به‌کار بودند، ۶۵/۵٪ دارای شغل پاره‌وقت بودند و ۳۸٪ در مشاغل مستقماً با رشته تحصیلی‌شان مرتبط نبود. اما یافته‌های تحلیلی نشان داد که جنسیت، دوره تحصیلی روزانه-شبانه، شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی، شهری و روستایی بودن و معدل دروس نظری، با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری ندارند، اما مقطع تحصیلی، معدل دروس عملی، معدل کل و انجام فعالیت‌های پژوهشی، با وضعیت اشتغال ارتباط معناداری دارند. تبیین وضعیت اشتغال براساس مجموع متغیرهای مستقل به روش رگرسیون لجستیک نشان داد که متغیرهای مقطع تحصیلی (کارشناسی ارشد) و معدل دروس عملی، بر احتمال اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر معناداری دارند و قادرند حدود ۳۸ درصد واریانس متغیر اشتغال را تبیین نمایند.

**واژگان کلیدی:** اشتغال، بیکاری، دانش‌آموختگان، دانشگاه و جامعه‌شناسی.

## مقدمه

اگر چه انجام تحصیلات دانشگاهی از جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی حایز اهمیت و ارزش است، اما بخش اعظم جوانان به امید اشتغال وارد دانشگاه‌ها می‌شوند و انتظار دارند پس از فراغت از تحصیل، شاغل شوند. به‌علاوه، با توجه به این که «نیروی انسانی متخصص از عوامل اساسی توسعه در هر کشور است» (تودارو، ۱۳۷۵) انتظار کسب اشتغال پس از طی آموزش‌های عالی، دور از ذهن نیست. ضمن این که برخی متخصصان اساساً بر نقش محوری دانشگاه در اشتغال تأکید ورزیده‌اند (ایوز و همکاران، ۲۰۰۲). اما روندهای موجود در ایران حاکی از آن است که تناسب بین آموزش‌های دانشگاهی و کسب اشتغال، نامتوازن است و بازار کار توانایی جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی را ندارد و در نتیجه، هر ساله بخشی از دانش‌آموختگان به صف بیکاران کشور می‌پیوندند. طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ ذخیره بیکاران با مدرک دانشگاهی با رشد متوسط سالانه ۲۰ درصد از ۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۷۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است که بیانگر افزایش بیش از پنج برابری است. این در حالی است که متوسط رشد ذخیره کل بیکاران در این دوره، سالانه ۱۴ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ به نقل از محمودیان و ورشوند، ۱۳۸۹: ۱۴۷). این وضعیت کم و بیش در همه رشته‌ها و تخصص‌های دانشگاهی وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد وضعیت در حوزه علوم انسانی حادث‌تر باشد؛ چرا که رشته‌های علوم انسانی تا حد زیادی به استخدام‌های دولتی وابسته‌اند و مهارت‌ها و آموزش‌های آنان کمتر اجازه می‌دهد در بخش‌های خصوصی و غیردولتی به کار مشغول شوند. جامعه‌شناسی یا پژوهشگری اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی در اکثر دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی دایر و تعداد زیادی دانشجوی در آن مشغول به تحصیل هستند. اگر چه وضعیت شغلی دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اما به‌نظر می‌رسد این گروه از دانش‌آموختگان نیز نسبت به رشته‌های نزدیک و همجوار سرنوشت بهتری نداشته باشد. با توجه به این که آزمون ورودی دانشگاه‌ها در حال حذف شدن هستند، کاملاً محتمل است که متقاضیان ورود

به دانشگاه به سمت رشته‌هایی سوق یابند که از ضریب اشتغال بالاتری برخوردار باشند. این واقعیت کاملاً ملموس است که بخش دولتی موجود به تأمین اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی قادر نیست. بر این اساس، توجه به وضعیت شغلی دانش‌آموختگان و تلاش خلاقانه در راستای ارتقای احتمال اشتغال آنان در بازار کار باید مورد توجه جدی متخصصان جامعه‌شناسی قرار گیرد. حسب مستندات، جایگاه شغلی جامعه‌شناسی به‌ویژه دانش‌آموختگان کارشناسی در جامعه ایران نامعلوم است. این امر در کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا به همت خود جامعه‌شناسان و با محوریت انجمن جامعه‌شناسی این کشور صورت گرفته و گستره‌ای از مشاغل که دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی واجد شرایط تصدی آنها هستند، تعریف و مشخص گردیده است (استولی، ۲۰۰۵). این امر باعث شده است که دولت نیز این جایگاه‌های شغلی را به رسمیت بشناسد و زمینه‌های اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی افزایش یابد. به‌گونه‌ای که حسب گزارش دفتر کار آمریکا (۲۰۱۲) پیش‌بینی می‌شود میزان اشتغال جامعه‌شناسان در این کشور تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۱۸ درصد افزایش یابد و رقم اشتغال آنان از ۴۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۰ به ۴۸۰۰ نفر در سال ۲۰۲۰ برسد. رشته جامعه‌شناسی بنابه ماهیت، خود این قابلیت را دارد که گستره‌ای از مهارت‌ها را به دانش‌آموختگان آموزش دهد (هادن و موبلی، ۲۰۰۱) و به همین دلیل، تعریف زمینه‌های شغلی برای دانش‌آموختگان آن کار چندان سختی نیست، اما این امر در ایران مورد توجه قرار نگرفته و خود جامعه‌شناسان نیز تلاش جدی‌ای در رفع این خلاء نداشته‌اند. با این تفاسیل، هدف اساسی پژوهش حاضر این است که اولاً، وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته جامعه‌شناسی را بررسی و ثانیاً، ارتباط آن را با برخی عوامل اجتماعی و جمعیتی تعیین نماید.

### تحقیقات پیشین

اگر چه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان روانشناسی و علوم تربیتی (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹)، کتابداری (کربلا‌آقایی، ۱۳۸۷؛ اخترپور، ۱۳۷۴)، کشاورزی (ده‌یوری و همکاران، ۱۳۸۷؛ محمدزاده، ۱۳۸۵؛ نامجویان شیرازی، ۱۳۸۴)، فنی حرفه‌ای (نیکخواه،

(۱۳۸۳)، بهداشت محیط (ملکوتیان و پرورش، ۱۳۸۲)، مدیریت آموزشی (پورحقیقی‌زاده و خادمی، ۱۳۸۳)، مهندسی (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶) و غیره، بررسی شده است، اما انجام این گونه تحقیقات در مورد دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی به‌ویژه در داخل کشور بسیار بندرت مورد توجه بوده است.

پورکاظمی (۱۳۸۸) در پژوهشی بر روی دانش‌آموختگان دانشگاهی علوم انسانی در دانشگاه‌های شهید بهشتی، شیراز، تبریز، شهید چمران اهواز، شهید باهنر کرمان، سمنان و سیستان و بلوچستان، نشان داد که در مجموع پس از گذشت پنج سال از فارغ‌التحصیلی، ۷۷/۵ درصد دانش‌آموختگان شاغل و ۲۲/۵ درصد بیکارند. نتایج تحقیق نشان داد که از مجموع ۱۸ نفر فارغ‌التحصیل علوم اجتماعی مورد مطالعه، ۱۶ نفر شاغل و ۲ نفر بیکارند. در خارج کشور نیز اگر چه تحقیقات متعددی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان به‌عمل آمده اما انجام چنین پژوهشی با تمرکز بر دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی کمتر مورد توجه بوده است.

نتایج پژوهشی در دانشگاه لومبریک ایرلند (۲۰۱۰) بر روی دانش‌آموختگان این دانشگاه نشان داد که از مجموع دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی، ۴۳/۸٪ شاغل، ۱۸/۸٪ در جستجوی کار، ۳۱/۳٪ در حال ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و ۶/۳٪ بیکار بودند.

اسپالتر - روث و وان ورن (۲۰۰۹) در پژوهشی جامع برای انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، به بررسی وضعیت شغلی ۱۷۷۷ نفر از دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی در دوره لیسانس پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد حدود ۸۰ درصد دانش‌آموختگان پس از گذشت ۱۸ ماه از فارغ‌التحصیلی، شاغل و ۲۰ درصد بیکار بودند.

### مبانی نظری

بسیاری از اقتصاددانان در این امر توافق نظر دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی اجتماعی کشور را تعیین می‌کند منابع انسانی است نه سرمایه یا منابع مادی (تودارو، ۱۳۷۷: ۳۴۳). بر این اساس، اکثر کشورهای در حال توسعه، رمز اصلی توسعه ملی را

گسترش سریع فرصت‌های آموزشی می‌دانند. اما موضوع مهم در گسترش آموزش، ارائه فرصت‌های متناسب شغلی است. به‌طور طبیعی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بین آموزش و اشتغال، تناسب منطقی وجود ندارد و نرخ رشد فرصت‌های اشتغال در بخش نوین شهری برای دانش‌آموختگان دانشگاهی کندتر از نرخ ورود دانش‌آموختگان دانشگاهی به صف نیروی کار است. اگر چه در تبیین پدیده بیکاری می‌توان دیدگاه‌های مختلفی بیان نمود (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۰) اما در تبیین این‌که چه عواملی بر اشتغال یا بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی تأثیرگذار است اتفاق نظر منسجمی وجود ندارد، با این حال، برخی عوامل موثر در این زمینه نام برده شده است. به‌زعم تودارو (۱۳۷۷: ۳۶۰) کارفرمایان وقتی با تقاضای بیش از حد کار مواجه می‌شوند تمایل پیدا می‌کنند که متقاضیان خود را بر حسب سطح تحصیل انتخاب کنند و متقاضیانی را که دارای تحصیلات بالاتری هستند به متقاضیان دارای تحصیلات پایین‌تر ترجیح می‌دهند. بر این اساس، هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد احتمال اشتغال بالاتر می‌رود. به‌زعم هکنین (۲۰۰۴) یکی از عوامل مهم مرتبط با اشتغال، تجربه کارکردن در هنگام تحصیل است. کارکردن در حین تحصیل باعث می‌شود آموزش‌های رسمی تکمیل گردد؛ احساس مسئولیت بیشتر شود، و دانشجویان با دنیای کار بیشتر آشنا گردند. در نتیجه آنها پس از فراغت از تحصیل از شانس بیشتری برای پیدا کردن شغل برخوردارند. برخی پژوهشگران به تأثیر جنسیت بر احتمال اشتغال و بیکاری پرداخته‌اند (بافو و ازیلا، ۲۰۰۵) که البته در بین آنان تفاوت‌های زیادی وجود دارد. برخی معتقدند زنان انتظار دریافت حقوق زیادی ندارند و از وجدان کاری مناسب‌تری برخوردارند (هکرت و همکاران، ۲۰۰۲) و کمتر از مردان نسبت به شرایط کار اعتراض می‌کنند (اسکیلر، ۱۳۷۴). در نتیجه، کارفرماها به استخدام زنان تمایل بیشتری دارند و این امر باعث می‌شود که دانش‌آموختگان زن پس از فراغت از تحصیل، شانس بیشتری برای کسب شغل داشته باشند. اما از سوی دیگر رویکردهای نوکلاسیک معتقدند بازار کار اساساً نیروی کار با بهره‌وری بالاتر را جذب می‌کند و چون مردان بهره‌وری بالاتری نسبت به زنان دارند در نتیجه، طول

دوره بیکاری زنان بیشتر از مردان است (فیض‌پور، ۱۳۸۹). به‌علاوه، با توجه به این‌که به لحاظ فرهنگی مردان تأمین‌کننده اصلی معیشت خانواده هستند، دوره بیکاری زنان بیشتر از مردان است (فیض‌پور، ۱۳۸۶). یکی دیگر از عوامل موثر بر اشتغال دانش‌آموختگان، رضایت‌مندی است (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۶). رضایت شغلی بیانگر نوعی احساس مثبت در فرد است که می‌تواند فرد را به پذیرش و انجام شغل یا دوری و اجتناب از آن وادارد. با افزایش تحصیلات، انتظارات و توقعات افراد به‌گونه‌ای بالا می‌رود که از انجام برخی کارها و مشاغل ارضا نمی‌شوند و ترجیح می‌دهند همچنان در جستجوی کار باشند. این امر باعث می‌شود که تعداد دانش‌آموختگان بیکار بیشتر شود. بر این اساس، بخشی از افزایش دوره بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی نه به‌دلیل فقدان فرصت‌های شغلی در بازار کار، بلکه به‌دلیل بی‌میلی یا بی‌رضایتی نسبت به برخی مشاغل موجود است. برخی محققان نیز به تأثیر مهارت بر اشتغال و بیکاری پرداخته‌اند (کارول، ۲۰۰۴؛ عزیزی، ۱۳۸۲؛ احمدی و امیری، ۱۳۹۱). لروکس و لافلیر (۱۹۹۵) مهارت‌هایی را که به افزایش فرصت اشتغال کمک می‌کنند به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کنند: دسته اول، مهارت علمی (شامل مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، توانایی حل مساله و تشخیص اهمیت نیاز به یادگیری برای زندگی)، دسته دوم، مهارت‌های مدیریت شخصی (شامل توانایی تعیین اهداف، اقدام مسئولانه، اعتماد به نفس و پیش‌قدمی در امور) و بالاخره دسته سوم، مهارت‌های کارگروهی (شامل توانایی کارکردن با دیگران، احترام قایل شدن نسبت به دیگران، و توانایی رهبری و هدایت دیگران) هستند. به‌زعم گیدنز (۱۳۸۶) امروزه در نظام‌های فرا فوردی<sup>۱</sup> از کارگران و کارکنان انتظار می‌رود حایز مهارت‌های چندگانه باشند. افرادی که مهارت دارند قادرند وظایف و فعالیت‌ها را به نحو بهتری انجام دهند و آنان که مهارت‌های چندگانه دارند قادرند فعالیت‌ها و وظایف متعددی انجام دهند. این امر احتمالاً باعث می‌شود که آنان بیشتر مورد توجه

کارفرمایان قرار گیرند و احتمال اشتغال‌شان افزایش یابد. با این وصف، با استناد به دیدگاه‌های نظری موجود در خصوص اشتغال و بیکاری، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شوند.

### فرضیه‌های تحقیق

- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن و مرد با یکدیگر متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد با یکدیگر متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های روزانه و شبانه باهم متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگانی برحسب این که دوره‌های آموزشی آزاد گذراند و نگذرانده باشند باهم متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان روستایی و شهری با یکدیگر متفاوت است.
- وضعیت شغلی دانش‌آموختگان بر حسب معدل دروس عملی متفاوت است.
- وضعیت شغلی دانش‌آموختگان بر حسب معدل دروس نظری متفاوت است.
- وضعیت شغلی دانش‌آموختگان بر حسب معدل کل متفاوت است.
- وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دارای کارهای پژوهشی و فاقدکارهای پژوهشی با یکدیگر متفاوت است.

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر پیمایشی از نوع پیگیری<sup>۱</sup> است. در این نوع پژوهش، نمونه‌های تحقیق در دوره یا دوره‌هایی مشخص در آینده، پیگیری می‌شوند تا وضعیت آنان در متغیر مورد بررسی، واکاوی گردد (ساکس و اشفورت، ۱۹۹۹). کاربرد این نوع تحقیق در دانشگاه‌ها می‌تواند نشان دهد، که برون دادهای دانشگاهی (دانش‌آموختگان) به لحاظ تناسب آموزش‌های فرا گرفته با آموزش‌های مورد نیاز، کیفیت آموزش، وضعیت اشتغال و غیره، به چه صورت

1- Follow Up

هستند. با توجه به تأسیس دوره کارشناسی جامعه‌شناسی در سال ۱۳۸۵ و دوره کارشناسی ارشد این رشته در سال ۱۳۸۷ در دانشگاه یاسوج، پژوهش حاضر تلاش کرده است فارغ‌التحصیلان این رشته را به لحاظ وضعیت اشتغال پیگیری کند. جامعه آماری، دانشجویان دوره کارشناسی ورودی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و نیز دانشجویان دوره کارشناسی ارشد ورودی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ هستند که طی سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ دانش‌آموخته شده‌اند. تعداد دانش‌آموختگان ۱۱۹ نفر است و کلیه آنها به‌عنوان نمونه تحقیق، مورد نظر قرار گرفتند. با حذف دانش‌آموختگان در حال ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر (۹ نفر) و نیز پسران در حال گذران دوره سربازی (۷ نفر) اندازه نمونه عملاً به ۱۰۳ نفر تقلیل یافت. اطلاعات مورد نیاز متغیر وابسته (وضعیت اشتغال) برحسب انجام کار براساس قرارداد رسمی و دریافت حقوق منظم (بلی=۱ خیر=۰) مورد نظر بود و نیز متغیرهای مستقل (گذراندن دوره‌های آموزشی، انجام فعالیت‌های پژوهشی، وضع تأهل) با استفاده از تماس تلفنی با دانش‌آموختگان به‌دست آمد و اطلاعات مربوط به سایر متغیرهای مستقل (مقطع تحصیلی، دوره تحصیلی، محل تولد، معدل دروس نظری، معدل دروس عملی، معدل کل، جنسیت، میانگین سنی) با استفاده از کارنامه تحصیلی دانش‌آموختگان، جمع‌آوری گردید.

### یافته‌های توصیفی

به‌لحاظ مقطع فارغ‌التحصیلی، ۷۲ نفر فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی و ۳۱ نفر فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد بوده‌اند. به لحاظ جنسیت، ۴۴ نفر زن و ۵۹ نفر مرد بوده‌اند. دامنه سنی بین ۲۳ تا ۳۹ سال و میانگین سنی ۲۷/۵ سال بوده است. به لحاظ وضعیت تأهل، ۵۳ نفر مجرد و ۵۰ نفر متأهل بوده‌اند. ۴۴ نفر دانش‌آموخته دوره شبانه و ۵۹ نفر دانش‌آموخته دوره روزانه بوده‌اند. به‌لحاظ وضعیت شغلی ۴۵ نفر شاغل و ۵۸ نفر بیکار بوده‌اند. از مجموع شاغلان، ۱۹ نفر فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی و ۲۶ نفر فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی

ارشد بوده‌اند. از مجموع شاغلان، ۲۲ نفر در بخش دولتی، ۱۷ نفر در بخش خصوصی و ۶ نفر خود اشتغال بوده‌اند. از مجموع کل شاغلان، ۱۶ نفر دارای شغل دایم و ۲۵ نفر دارای شغل پاره وقت بوده‌اند. از مجموع شاغلان، ۱۴ نفر در زمان تحصیل، شاغل بوده‌اند و ۳۱ نفر پس از فراغت از تحصیل شاغل شده‌اند. شغل ۲۸ نفر با رشته تحصیلی منطبق و شغل ۱۵ نفر با رشته تحصیلی نامنطبق بوده است.

### یافته‌های تحلیلی

#### - تفاوت دانش‌آموختگان زن و مرد به لحاظ وضعیت اشتغال

جهت بررسی ارتباط جنسیت و وضع اشتغال، از آزمون تفاوتی کای اسکوئر استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۱ درج شده است. بر اساس نتایج حاصل از جدول، بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود ندارد و براساس آن دانش‌آموختگان زن و مرد به لحاظ اشتغال، وضعیت مشابهی دارند.

جدول شماره ۱ تفاوت زنان و مردان در وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	جنسیت		کل
	مرد	زن	
شاغل	۲۳	۲۲	۴۵
	۲۵/۸	۱۹/۲	
بیکار	۳۶	۲۲	۵۸
	۳۳/۲	۲۴/۸	
کل	۵۹	۴۴	۱۰۳

Chi-Square test = ۱/۳      df = ۱      Sig = ۰/۲۶۵

#### - تفاوت دانش‌آموختگان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به لحاظ وضعیت اشتغال

بررسی ارتباط مقطع فارغ‌التحصیلی و وضع اشتغال با استفاده از آزمون کای اسکوئر که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است، بیانگر این است که تفاوت دو گروه معنادار است و مقدار

مشاهده شده اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد بیش از مقدار مورد انتظار است.

جدول شماره ۲ تفاوت دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد در وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	مقطع تحصیلی		کل
	کارشناسی	کارشناسی ارشد	
شاغل	۱۹	۲۶	۴۵
	۳۱/۵	۱۳/۵	
بیکار	۵۳	۵	۵۸
	۴۰/۵	۱۷/۵	
کل	۷۲	۳۱	۱۰۳

Chi-Square Test = ۱۵/۱    df = ۱    Sig = ۰/۰۰۰

– تفاوت دوره تحصیلی روزانه و شبانه به لحاظ وضعیت اشتغال

بررسی ارتباط دوره تحصیلی روزانه و شبانه با وضع اشتغال با استفاده از آزمون کای اسکوئر نشان می‌دهد که بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد و طی آن مقدار مشاهده شده اشتغال دانش‌آموختگان دوره روزانه بیش از مقدار مورد انتظار است.

جدول شماره ۳ تفاوت دوره تحصیلی روزانه و شبانه در وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	دوره تحصیلی		کل
	روزانه	شبانه	
شاغل	۲۹	۱۶	۴۵
	۲۶/۳	۲۱/۴	
بیکار	۲۵	۳۳	۵۸
	۳۰/۴	۲۷/۶	
کل	۵۴	۴۹	۱۰۳

Chi-Square Test = ۴/۶    df = ۱    Sig = ۰/۰۳۱

**– تفاوت شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی و وضعیت اشتغال**

جهت بررسی ارتباط شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی پس از فراغت از تحصیل با وضع اشتغال از آزمون کای اسکوئر استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۴ انعکاس یافته است. بر اساس نتایج جدول بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود ندارد و طی آن دانش‌آموختگانی که پس از فراغت از تحصیل در دوره‌های آموزشی شرکت کرده‌اند و کسانی که در این دوره‌های آموزشی شرکت نکرده‌اند به لحاظ اشتغال، وضعیت مشابهی دارند.

جدول شماره ۴ تفاوت شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی در وضعیت اشتغال

کل	خیر	بلی	گذراندن دوره آموزشی
			وضعیت اشتغال
۴۵	۳۷	۸	شاغل
	۳۴/۵	۱۰/۵	
۵۸	۴۲	۱۶	بیکار
	۴۴/۵	۱۳/۵	
۱۰۳	۷۹	۲۴	کل

Chi-Square Test = ۱/۴    df = ۱    Sig = ۰/۲۴۳

**– تفاوت دانش‌آموختگان شهری و روستایی به لحاظ وضعیت اشتغال**

جهت بررسی ارتباط محل سکونت دانش‌آموختگان (روستا - شهر) با وضع اشتغال از آزمون تفاوتی کای اسکوئر استفاده شده است و نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است. براساس نتایج جدول بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود ندارد و طی آن دانش‌آموختگان شهری و روستایی به لحاظ اشتغال، وضعیت مشابهی دارند.

جدول شماره ۵ تفاوت شهری روستایی بودن در وضعیت اشتغال

کل	روستا	شهر	محل سکونت	
			وضعیت اشتغال	شاغل
۴۵	۵	۴۰	شاغل	
	۷/۴	۳۷/۶		
۵۸	۱۲	۴۶	بیکار	
	۹/۶	۴۸/۴		
۱۰۳	۱۷	۸۶	کل	

Chi-Square Test = ۱/۷    df = ۱    Sig = ۰/۱۹۴

## - تفاوت معدل دروس عملی در دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل

جهت میانگین وضعیت اشتغال برحسب معدل دروس عملی از بررسی تفاوت میانگین به روش آزمون تی برای دو نمونه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۶ انعکاس یافته است. بر این اساس میانگین دروس عملی دانش‌آموختگان شاغل بیشتر از دانش‌آموختگان بیکار است و آزمون تفاوت میانگین نشان می‌دهد که این تفاوت به لحاظ آماری در فاصله اطمینان ۹۹٪ معنادار است.

جدول شماره ۶ تفاوت میانگین فارغ‌التحصیلان شاغل و بیکار در دروس عملی

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین دروس عملی	تعداد	
۰/۰۰۱	۵۲	-۳/۴	۱/۵	۱۶/۵	۴۵	فارغ‌التحصیلان شاغل
			۱/۳	۱۴/۸	۵۸	فارغ‌التحصیلان بیکار

## - تفاوت معدل دروس نظری در دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل

جهت مقایسه میانگین معدل دروس نظری و وضعیت اشتغال نیز از آزمون تی برای دو نمونه مستقل برای بررسی تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۷ انعکاس یافته است. بر اساس آن، میانگین دروس نظری دانش‌آموختگان شاغل و

دانش‌آموختگان بیکار نزدیک به هم است و بین دو گروه تفاوت معناداری به لحاظ آماری در سطح اطمینان مورد بررسی وجود ندارد.

جدول شماره ۷ تفاوت میانگین دانش‌آموختگان شاغل و بیکار در دروس نظری

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین دروس نظری	تعداد	
.۰/۰۵۷	۵۲	-۱/۹۴	۰/۷۸	۱۷/۴	۴۵	دانش‌آموختگان شاغل
			۰/۸۹	۱۶/۹	۵۸	دانش‌آموختگان بیکار

– تفاوت معدل کل در دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل

جهت بررسی ارتباط معدل کل و وضعیت اشتغال از آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۸ انعکاس یافته است. بر اساس نتایج، معدل کل دانش‌آموختگان شاغل بیشتر از دانش‌آموختگان بیکار است و این تفاوت به لحاظ آماری در فاصله اطمینان ۹۹٪ معنادار است.

جدول شماره ۸ تفاوت میانگین دانش‌آموختگان شاغل و بیکار در معدل کل

Sig	df	t	انحراف معیار	معدل کل	تعداد	متغیر
.۰/۰۰۹	۵۲	-۲/۷۰	۱/۴	۱۶/۳	۴۵	فارغ التحصیلان شاغل
			۱/۲	۱۵/۳	۵۸	فارغ التحصیلان بیکار

– تفاوت دانش‌آموختگان دارای کار پژوهشی و فاقد کار پژوهشی به لحاظ وضعیت اشتغال

جهت بررسی دارا بودن ارتباط انجام گرفتن کار پژوهشی با وضع اشتغال از آزمون کای اسکوئر استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۹ انعکاس یافته است. براین اساس بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد و طی آن مقدار مشاهده شده انجام کارهای پژوهشی در بین دانش‌آموختگان شاغل بیش از مقدار مورد انتظار است.

جدول شماره ۹ تفاوت دانش آموختگان شاغل و بیکار به لحاظ کار پژوهشی

کل	خیر	بلی	کار پژوهشی	
			شاغل	بیکار
۴۵	۲۹	۱۶	۸/۳	۳۶/۷
۵۸	۵۵	۳	۱۰/۷	۴۷/۳
۱۰۳	۸۴	۱۹		

Chi-Square test = ۱۵/۵    df = ۱    Sig = ۰/۰۰۰

#### - تبیین اشتغال فارغ‌التحصیلان بر اساس مجموع متغیرهای مستقل

جهت پیش‌بینی احتمال اشتغال دانش‌آموختگان بر اساس ۹ متغیر، جنسیت، مقطع تحصیلی (کارشناسی-کارشناسی ارشد)، دوره تحصیلی (شبانه-روزانه)، شرکت در دوره‌های آموزشی پس از فراغت از تحصیل، محل اقامت، معدل دروس نظری، معدل دروس عملی، معدل کل و انجام فعالیت‌های پژوهشی، از آزمون رگرسیون لجستیک به‌روش مرحله‌ای استفاده گردید. نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد در نهایت، دو متغیر مقطع تحصیلی و معدل دروس عملی، تأثیر معناداری بر احتمال اشتغال دانش‌آموختگان دارند و طی آن، احتمال اشتغال به ترتیب ۴۸/۸ برابر و ۲۰/۱ برابر می‌گردد. شاخص کاکس و اسنل<sup>۱</sup> بیانگر این هستند که متغیرهای مقطع تحصیلی و معدل دروس عملی می‌توانند حدود ۳۸ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته احتمال اشتغال را تبیین نمایند. نتایج جدول شماره ۱۱ بیانگر این است که حساسیت مدل نهایی در تشخیص دانش‌آموختگان شاغل، ۷۲ درصد، حساسیت آن در تشخیص دانش‌آموختگان بیکار، ۸۴ درصد و بالاخره حساسیت آن در کل، ۷۷/۸ درصد است.

جدول شماره ۱۰ تحلیل احتمال اشتغال دانش‌آموختگان به روش رگرسیون لجستیک

متغیر	B	S.E.	Wald	df	Sig	Exp(B)
مقطع تحصیلی	۳/۹	۱/۳	۹/۰۴	۱	۰/۰۰۳	۴۸/۸
معدل دروس عملی	۳/۱	۱/۴	۴/۸	۱	۰/۰۲۹	۲۰/۱
مقدار ثابت	۱/۴	۵/۸	۰/۴۹۰	۱	۰/۴۸۴	-

جدول شماره ۱۱ طبقه‌بندی دانش‌آموختگان شاغل و غیرشاغل به روش رگرسیون لجستیک

مورد انتظار			
مشاهده شده	دانش‌آموختگان شاغل	دانش‌آموختگان بیکار	درصد پیش‌بینی صحیح
۲۱	۸	۷۲	۷۲/۸
۴	۲۱	۸۴	۷۷/۸
درصد پیش‌بینی کل			۷۷/۸

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی انجام گرفت. براساس یافته‌های تحقیق، از مجموع ۱۰۳ نفر فارغ‌التحصیل مورد بررسی، ۴۵ نفر (۴۳/۹٪) شاغل و ۵۸ نفر (۵۶/۱٪) بیکار بوده‌اند. این یافته تحقیق با توجه به مباحثی که گذشت بیانگر چند نکته اساسی است: اول، حدود نیمی از دانش‌آموختگان در دوره زمانی بین ۱۲ تا ۳۶ ماه پس از دانش‌آموختگی، اشتغال یافته‌اند که با توجه به وضعیت بحرانی اشتغال در جامعه، قابل توجه است. دوم، درصد قابل توجهی از شاغلان (۵۱/۷٪) در بخش خصوصی مشغول به کار بوده یا خود-اشتغال بوده‌اند که نشان می‌دهد امکان اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی در بخش غیردولتی رو به افزایش است. سوم، بخش قابل توجهی از شاغلان (۶۵/۵٪) دارای شغل پاره‌وقت بوده‌اند که در مقایسه با کار تمام وقت، دایمی نیستند. چهارم، بخش قابل توجهی از شاغلان (۳۸٪) در مشاغلی وارد شده‌اند که با رشته تحصیلی‌شان مستقیماً مربوط و منطبق نیست؛ مانند منشیگری و فعالیت در شرکت‌های خصوصی که نشان می‌دهد توجه به برخی آموزش‌های جانبی در کنار دروس اصلی جامعه‌شناسی، ضرورت

دارد. دانش‌آموختگان زن و مرد به لحاظ اشتغال، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند و نرخ اشتغال و بیکاری آنها شبیه هم است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش فیض‌پور (۱۳۸۹) که نشان داد زنان و مردان به لحاظ دوره بیکاری با یکدیگر تفاوتی ندارند منطبق است و آن را تأیید می‌کند، اما با نتایج پژوهش سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) و نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) که نشان می‌دهند میزان اشتغال مردان بیش از زنان است منطبق نیست. شاید این تفاوت ناشی از رشته‌های متفاوت مورد بررسی باشد که طی آن در تحقیق حاضر دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی مورد نظر بوده‌اند، در حالی که در تحقیق سعیدی‌رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) دانش‌آموختگان روانشناسی و در تحقیق نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) دانش‌آموختگان کشاورزی مورد توجه بوده‌اند. بین مقطع تحصیلی و وضعیت اشتغال، تفاوت معناداری وجود دارد و طی آن میزان اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد بیشتر از دانش‌آموختگان کارشناسی است. این یافته تحقیق، به لحاظ نظری، دیدگاه تودارو (۱۳۷۷) را مبنی بر علاقه بیشتر کارفرماها به جذب افراد با تحصیلات بالاتر در شرایط وفور نیروی کار تأیید می‌کند و به لحاظ تجربی نیز با نتایج پژوهش محمودیان و رشوند (۱۳۸۹)، فیض‌پور (۱۳۸۹) و پورکاظمی (۱۳۸۸) که نشان می‌دهند با افزایش تحصیلات، میزان اشتغال بیشتر می‌شود منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. بررسی ارتباط دوره تحصیلی روزانه و شبانه با وضع اشتغال با استفاده از آزمون کای اسکور نشان می‌دهد که بین مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد و طی آن مقدار مشاهده شده اشتغال دانش‌آموختگان دوره روزانه بیش از مقدار مورد انتظار است. بین دوره تحصیلی روزانه - شبانه و وضعیت اشتغال، تفاوت معناداری وجود دارد و طی آن میزان اشتغال دانش‌آموختگان دوره روزانه بیشتر از دانش‌آموختگان دوره شبانه است. این امر بیانگر این است که دانش‌آموختگان دوره‌های روزانه امکان بیشتری برای ورود به بازار کار و کسب اشتغال دارند و نحوه ورود به دانشگاه مورد توجه کارفرمایان بوده است. بین شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی (مانند زبان انگلیسی، کامپیوتر، کارگاه‌های آموزشی و غیره) پس از فراغت از تحصیل و وضعیت اشتغال، تفاوت معناداری وجود ندارد و

دانش‌آموختگانی که پس از فراغت از تحصیل در دوره‌های آموزشی فوق شرکت کرده‌اند و کسانی که در دوره‌های آموزشی شرکت نکرده‌اند به‌لحاظ اشتغال، وضعیت مشابهی دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) که نشان می‌دهد دانش‌آموختگانی که بیشتر در دوره‌های آموزشی شرکت کرده‌اند میزان اشتغالشان بالاتر است منطبق نیست. این تفاوت، شاید ناشی از نوع دوره‌های آموزشی در دو پژوهش باشد. دوره‌های آموزشی در پژوهش نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) مستقیماً به امور کشاورزی مربوط بوده‌اند اما دوره‌های آموزشی گذرانده شده در پژوهش حاضر دارای چند ویژگی اساسی هستند: اول، کوتاه‌مدت بوده‌اند؛ دوم، ارتباط مستقیم با اشتغال ندارند. و سوم، افراد شرکت‌کننده در این دوره‌ها نتوانسته‌اند مهارت قابل توجهی به‌دست آورند. بین دانش‌آموختگان شهری و روستایی به‌لحاظ وضعیت اشتغال تفاوتی وجود ندارد و طی آن، دانش‌آموختگان شهری و روستایی به‌لحاظ اشتغال، وضعیت مشابهی دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) که نشان می‌دهد دانش‌آموختگان شهری به‌دلیل وجود امکانات بیشتر در محیط‌های شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ، امکان اشتغال بیشتری دارند منطبق نیست. این تفاوت شاید ناشی از بافت جغرافیایی استان کهگیلویه و بویراحمد به‌ویژه شهر یاسوج باشد؛ چون محل اشتغال بسیاری از افراد در یاسوج است، اما پس از اتمام کار به روستاهایشان که معمولاً در مجاورت شهر است برمی‌گردند. دانش‌آموختگان شاغل و بیکار به‌لحاظ میزان معدل دروس عملی (مانند: جامعه‌شناسی سازمان‌ها، جامعه‌شناسی صنعتی، جامعه‌شناسی کار و مشاغل، جامعه‌شناسی روستایی، کار تحقیقی، روش تحقیق عملی، SPSS، و غیره که دانشجویان علاوه بر فعالیت‌های معمول نظری باید به‌طور عملی نیز تکالیفی را انجام دهند) تفاوت معنادار دارند و طی آن میانگین دروس عملی دانش‌آموختگان شاغل بیشتر از دانش‌آموختگان بیکار است. این یافته تحقیق به روشنی بیانگر این است که اشتغال، مستلزم مهارت است و دانشجویان در ضمن گذراندن دروس عملی، کم و بیش مهارت‌هایی آموخته‌اند که به آنها در یافتن اشتغال کمک کرده است. بر این اساس ضرورت دارد توجه به مهارت‌های عملی در

گروه‌های آموزشی جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق اسپالتر-روث و ورن (۲۰۰۸) در آمریکا که نشان می‌دهند آموزش مهارت‌ها احتمال اشتغال دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی را افزایش می‌دهند و نیز تحقیق سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) که نشان می‌دهند دانش‌آموختگانی که در دوره دانشجویی، کار دانشجویی انجام داده‌اند و به دلیل کسب مهارت‌های بیشتر احتمال اشتغالشان بیشتر بوده است منطبق است و همخوانی نشان می‌دهد. دانش‌آموختگان شاغل و بیکار به لحاظ میزان معدل دروس نظری (دروس مربوط به رشته که واحد عملی ندارند) تفاوت معناداری ندارند و طی آن، معدل دروس نظری دانش‌آموختگان شاغل و بیکار تقریباً همانند هم است. این امر در ارتباط با یافته قبلی تحقیق، بیانگر اهمیت مهارت‌آموزی در امکان اشتغال است. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق نامجویان شیرازی (۱۳۸۴) که نشان می‌دهد معدل دروس نظری تأثیری بر اشتغال ندارد منطبق است و آن را تأیید می‌کند. دانش‌آموختگان شاغل و بیکار به لحاظ میزان معدل کل (کلید دروس گذرانده شده توسط دانشجو اعم از نظری، عملی و عمومی) تفاوت معناداری دارند و طی آن دانش‌آموختگان شاغل در مقایسه با دانش‌آموختگان بیکار از معدل کل بالاتری برخوردارند. این یافته تحقیق به‌ویژه برای آن دسته از دانش‌آموختگانی که نسبت به آینده شغلی ناامیدند و داشتن ارتباطات و پارتی و سهمیه و غیره را بیش از درس خواندن مؤثر می‌دانند قابل توجه است. بر این اساس، به‌طور طبیعی دانش‌آموختگانی که معدل کل بالاتری دارند احتمالاً اطلاعات و مهارت‌های بیشتری دارند و به همین دلیل احتمال اشتغالشان بیشتر است. دانش‌آموختگان شاغل و بیکار به لحاظ انجام فعالیت‌های پژوهشی (ارائه مقاله در سمینار، مجلات علمی، انجام طرح، همکاری در طرح و غیره) تفاوت معناداری دارند و طی آن، دانش‌آموختگان شاغل به مراتب بیش از دانش‌آموختگان بیکار فعالیت‌های پژوهشی انجام داده‌اند. اگر توانایی انجام فعالیت پژوهشی به‌عنوان مهارت تلقی گردید این یافته تحقیق مؤید یافته قبلی تحقیق مبنی بر ارتباط بین مهارت‌آموزی و افزایش احتمال اشتغال است. بر این اساس، توجه به فعالیت‌های پژوهشی از سوی گروه‌های

آموزشی به‌ویژه دانشجویان کارشناسی، حایز اهمیت است. روال مرسوم در اکثر گروه‌های آموزشی این است که از دانشجویان دوره کارشناسی انتظار انجام فعالیت‌های پژوهشی ندارند در حالی که این گروه از جامعه‌شناسان با توجه به الزام در انجام کار تحقیقی پایان دوره، پتانسیل انجام فعالیت پژوهشی را دارا هستند. تبیین وضعیت اشتغال و بیکاری بر حسب مجموع متغیرهای مستقل از طریق رگرسیون لجستیک مرحله‌ای نشان می‌دهد که متغیرهای مقطع تحصیلی (کارشناسی ارشد) و معدل دروس عملی تأثیر معناداری بر احتمال اشتغال دانش‌آموختگان دارند و احتمال اشتغال به ترتیب  $48/8$  برابر و  $20/1$  برابر می‌گردد. به‌علاوه، این دو متغیر قادرند نزدیک به  $38$  درصد تغییرات واریانس احتمال اشتغال را تبیین نمایند.

## منابع

- احمدی، سیروس؛ امیری، راضیه (۱۳۹۱) *بررسی رابطه مهارت‌آموزی و اشتغال*. اولین سمینار مهارت‌آموزی و اشتغال در ایران، تهران، سازمان فنی حرفه‌ای.
- اخترپور، محسن (۱۳۷۴) *بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد کتابداری دانشگاه‌های دولتی مستقر در تهران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشکده مدیریت اطلاعات‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- اسکلیز، زلی (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی نظام جهانی*. ترجمه علی هاشمی گیلانی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پورحقیقی‌زاده، محمداقبر؛ خادمی، محسن (۱۳۸۳) *بررسی میزان فایده‌مندی درس‌های اصلی و تخصصی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی از نظر دانش‌آموختگان دانشگاه شیراز شاغل در آموزش و پرورش*. *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، ۱(۱)، ۴۳-۵۶.
- پورکاظمی، محمدحسین (۱۳۸۸) *وضعیت راهیابی دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال‌های ۷۵-۱۳۷۴)*. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵۲، ۱۵۰-۱۲۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷) *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ده‌یوری، سحر؛ فرج‌اله حسینی، جمال؛ حسینی، محمود (۱۳۸۷) *بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران*. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۳۹، ۱، ۱۳۱-۱۲۳.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین‌زاده، معصومه؛ باغلی، حسین (۱۳۸۹) *سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*. *مجله مطالعات تربیتی و روانشناختی*، ۱۱(۲)، ۸۶-۵۷.

- سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین‌زاده، معصومه؛ باغلی، حسین (۱۳۸۶) *تحلیل سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان رشته مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد*. کنفرانس آموزش مهندسی در سال ۱۴۰۴، تهران.
- شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۶) *راهنمایی و مشاوره فنی حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل*. انتشارات رشد.
- صیدایی، اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زارعی، امیر (۱۳۹۰) بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۳۵. *مجله راهبرد یاس*، ۲۵، ۲۴۸-۲۱۶.
- عزیزی، نعمت‌اله (۱۳۸۲) آموزش و پرورش و بازار کار: آماده‌سازی جوانان با صلاحیت‌ها و مهارت‌های اساسی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره بیستم، شماره اول، پیاپی ۳۹، ۶۱-۵۸.
- فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۸۹) دوره بیکاری و عوامل مؤثر بر آن، شواهدی از بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه سوم. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال دهم، ۳۹، ۵۷-۳۲۷.
- فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۸۶) ترکیب جنسیتی و رشد اشتغال بنگاهی تعاونی. *مجله مطالعات زنان*. سال پنجم، شماره دوم، ۵۴-۳۳.
- کربلاآقایی، کامران (۱۳۸۷) بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال‌های رکود جذب فارغ‌التحصیلان زن دانشگاه‌ها در بازار کار، مطالعه موردی دانشگاه الزهراء(س). *فصلنامه کتاب*. ۷۶، ۹۱-۷۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- محمدزاده، مهناز؛ پزشکی راد، غلامرضا؛ چیدری، محمد (۱۳۸۵) وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی - کاربردی در بخش کشاورزی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ۱۱۲(۱)، ۹۸-۷۹.
- محمودیان، حسین؛ رشوند، مرجان (۱۳۸۹) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی شهر تهران با تأکید بر عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن، *فصلنامه نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. شماره ۹، صص ۶۸-۱۴۶.

- ملکوتیان، محمد؛ پرورش عبدالرحیم (۱۳۸۲) بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته بهداشت محیط سراسر کشور طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۵. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سمنان*. ویژه‌نامه آموزش پزشکی، صص ۳۳-۴۰.
- مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۷۳) آموزش و بیکاری دانش‌آموختگان. *مجله مدیریت دولتی*. ۲۴، ۸۱-۶۳.
- نامجویان شیرازی، زهرا (۱۳۸۴) *بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- نیکخواه، محمد (۱۳۸۳) *تحلیلی بر کارایی بیرونی شاخه فنی و حرفه‌ای آموزش متوسطه شهرستان شهرکرد طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵*. همایش نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مازندران.
- Baffoe-Bonnie, J., Ezeala-Harrison, F. (2005) Incidence and duration of unemployment spells: Implications for the male-female wage differentials. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 45, No. 4-5.
- Carroll, N. (2004) Explaining unemployment duration in Australia. Discussion paper, *Center for Economic Policy research*, No. 483.
- Hakkinen, L. (2004) Working while enrolled in a university: Does it pay? *Working paper*. Department of Economics, Uppsala University.
- Hawdon, J., Mobley, C. (2001) Applied sociology: What skills are important? Social insight: *Knowledge at Work*, No 6., PP12-20.
- Heckert, T.M., Droste, H.E., Adams, P.J., Griffin, C.M., Roberts, L.L., Mueller, M.A., Wallis, H.A. (2002) Gender differences in anticipated salary: Role of salary estimates for others, Job characteristics, Career paths and job inputs. *Journal of Research*, 47, 3.4, PP 139-152.
- Ives, B., Valacich, J., Watson, T.R. (2002) What every business student needs to know about information systems. *Communication of the Association for Information Systems*, Vol 9, PP 467-477.
- Leroux, J.A., Laflur, S. (1995) Employability skills: The demands of the workplace. *The Vocational Aspects of Education*, 47(2), PP189-196.

- Saks, A.M., Ashforth, B.E. (1999) Effects of individual differences and job search behaviors on the employment status of recent university graduates. *Journal of Vocational Behavior*, 54(2), PP 335-349.
- Spalter-Roth, R., Vooren, V.N. (2008) *What are they doing with a bachelor's degree in sociology?* American Sociological Association, Washington DC.
- Stolley, K.S. (2005) *The basics of sociology*. London, Greenwood Press.
- University of Limerick (2010) Graduates employment. *Careers Service Cooperative education and Careers Division*, Available:[www.ul.ie/careers](http://www.ul.ie/careers).